

## سواد هیجانی، مفهومی زیرساختی و

### فراموش شده در آموزش

احمد امانی\*

فرشاد محسنزاده\*\*

#### چکیده

انسان تنها موجودی است که زندگی می‌تواند از او سؤال بپرسد و یا تیغ سؤال به جراحی باورها و عقاید خود بپردازد. ذهن جستجوگرش در تکاپوی برآورده کردن نیاز به آگاهی همواره در تلاش است و او را برای کسب حداکثر دانش و آگاهی به چالش می‌کشد. تلاش برای شناخت محیط پیرامون و آینده او را از تحلیل روابط بین‌فردی، شناخت حالات، خلقیات، هیجان‌های درونی خود (خودشناسی) غافل کرده است. هدف این مقاله بررسی سواد هیجانی به‌عنوان عاملی زیرساختی در عرصه آموزش با تمرکز بر آموزش دانشگاهی می‌باشد.

امروزه دانشگاه‌ها در گسترش علوم و روابط انسانی، فرهنگ‌سازی، آموزش و غنی‌سازی روابط و اندیشه‌ها نقش کلیدی را برعهده دارند و اساتید همواره جهت‌دهنده و راهنمای کلیدی برای جامعه هدف دانشگاه بوده‌اند. در این میان سواد هیجانی میزان شناخت فرد از احساسات، هیجانها و عواطف درونی برای مدیریت کردن آنها در روابط بین‌فردی می‌باشد. این پژوهشی با رویکردی ترویجی - آموزشی به بررسی موضوع می‌پردازد و به‌دنبال بررسی این سؤال است که یک مدرس دانشگاهی به‌عنوان یک الگوی علمی -

---

\* دکتری تخصصی مشاوره - استادیار دانشگاه کردستان

\*\* دکتری تخصصی مشاوره - دبیر و مشاور آموزش و پرورش

انسانی برای دانشجویان، آیا سواد آکادمیک او منطبق بر سواد هیجانی‌اش می‌باشد؟ در دوره حساس دانشجویی که زمان شکل‌گیری آرزوها، رغبت‌ها و اهداف است، یک مدرس دانشگاهی تا چه اندازه به لایه‌های درون شخصیت خود توجه کرده است؟ و آیا از اثربخشی این لایه‌ها امروزه بر فرآیند زندگی علمی و اجتماعی امروزه‌اش آگاهی دارد؟ محققین بنا به سالها تجارب بالینی و آموزشی در کلاس‌های درسی، کلینیکی و مراکز مشاوره دانشجویی در خصوص تعارض بین فردی در بعد استاد - دانشجو دریافته‌اند که درصد بالایی از دانشجویان از سواد آکادمیک و به روز بودن اساتید خود مسئله‌ای ندارند بلکه همواره تعارض‌های بین فردی در روابط درون و برون کلاسی را به نحو اندیشیدن، منش شخصیتی و ایجاد رابطه مدرس خود مرتبط دانسته‌اند که این مهم خود می‌تواند دانشجو را با برخوردی ناروا از مسیر اهداف و آرزوهایش منحرف کرده و این سرمایه انسانی را به‌عنوان آتی‌ساز جامعه قربانی تکانه‌ها و تعارض‌های درونی خود کند. کسب بینش و بصیرت از تعارض‌های حل نشده درونی به افزایش سواد هیجانی در تعامل با سواد آکادمیک منجر شده و در روند ارتقاء فرآیندهای آموزشی و انسانی در دانشگاه‌ها کمک شایانی را خواهد نمود.

**کلیدواژه‌ها:** سواد هیجانی، سواد آکادمیک، تعارض‌های درونی و بین فردی

### مقدمه و بیان مسئله

جمله «انسان موجودی منطقی است» بارها زمزمه ذهن ما بوده است و هر زمان خواسته‌ایم به ابهت، اقتدار و کمال انسان تمرکزی داشته باشیم «عقلانی بودن» او را سنگ محک خود قرار داده‌ایم و در مقایسه‌گریهای خود باز به این بعد برای برتریهای بین فردی و اجتماعی استفاده کرده‌ایم.

در لابه‌لای آرزوهای بزرگ خود برای فرزندان، دوستان و دانشجویان هوشمند بودن آنها را با انحای مختلف خواهانیم، ولی سؤال اینجاست که: آیا در تعاملات، کنش‌های اجتماعی، شهروندمداری، والد بودن و... باهوش بودن کفایت می‌کند؟ و با این تفاسیر هوش را چگونه تعریف می‌کنیم و آن را در چه عواملی معنا می‌بخشیم؟

در ۲۰۰۰ سال پیش افلاطون گفت: «تمام یادگیری‌ها دارای یک زیربنای هیجانی و عاطفی هستند» براساس گفته افلاطون از آن زمان تاکنون دانشمندان، پژوهشگران و فیلسوفان زیادی در جهت اثبات یا نفی نقش احساسات در یادگیری مطالعات زیادی انجام داده‌اند. متأسفانه تفکر حاکم بر این ۲۰۰۰ سال این بود که «هیجان‌ها مانع انجام کار و